

### متن پرسش

بسمه تعالی؛ سلام علیکم. ۱. در جلسه تفسیر سوره مبارکه تغابن در تاریخ ۱۷ شهریور ماه به یادم هست که فرمودید؛ در استدلال نوعی انکار وجود دارد و استدلال به درد دیندار شدن نمیخورد بل برای محاجه در مقابل ضد دینان است. چرا علامه طباطبائی تفسیر خود را برپایه استدلال و عقل گمارده اند به حدی که به فرموده شما ذره ای هم از آن خارج نگشته اند؟ ۲. چه کنیم در رزق گم نشویم؟ در وقت گم نشویم؟ رزق و قتم کم است و برکتی ندارد و نمیتوانم کارهای علمی امرا بخوبی پیش ببرم، متوجه بی توجهی خودم به وثت هستم که کفت نیز به من رو نمی کند و خود را در اختیارم نمی گذارد. ۳. چگونه صاحب رزق شویم و بتوانیم در نیاز حقیقی قرار گیریم تا خدای متعال نیز آن را بی جواب نگذارد بلکه ما هم مشغول نشده باشیم؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- خداوند آن مرد الهی را رحمت کند. همان طور که در مبحث «نگاهی هرنوتیکی به شخصیت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان» عرض شده ایشان بنا داشتند شبهات پیش آمده بعد از مشروطه را از منظر قرآن جواب دهند تا دین داران متوجه حقیقت قرآن بشوند و از این جهت آری! باید استدلال می کردند تا شبهات رفع شود و این به معنای آن نیست که مطلب تمام باشد و از آن به بعد طرف، دینداری خود را ادامه دهد. به همین جهت در کنار آن نوع استدلال سعی می کردند منظور آیات را که مطابق با فطرت افراد بود، به میان آورند و این امر موجب ایمان افراد و تقویت آن ایمان می شد ۲- اولاً: برنامه ریزی ثانیاً: حوصله ای به وسعت یک اقیانوس. موفق باشید